



شرق

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان الوند، کوچه آرشدیا، پلاک ۶
تلفن: ۰۲۱-۸۸۶۵۴۳۹-۹۲-۸۸۸۰۷۱۹-۸۸۸۰۷۱۹
امور مشترکین: تلفن: ۰۲۱-۸۸۱۴۲۳۳
توزیع شرکت پیام‌رسان پیروز تلفن: ۰۲۱-۶۶۲۷۲۱۳۰
چاپ گلریز تلفن: ۰۲۱-۶۶۷۹۵۴۲۲
www.sharghdaily.ir

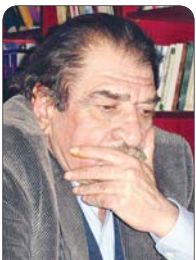
تهران : اذان ظهر ۱۳:۰۸ اذان مغرب ۲۰:۰۹ اذان صبح فردا ۴:۵۵ طلوع آفتاب ۶:۲۶

روزنامه

یکشنبه ۲۷ مرداد ۱۳۹۲ | ۱۰ شوال ۱۴۲۴ | ۱۸ آگوست ۲۰۱۳ | سال دهم | شماره ۱۸۰۹ | صفحه ۱۶

خانه «شیر کو بیگس» موزه می‌شود

ایسنا-خانه شیر کو بیگس، شاعر فقید کرد، در شهر سلیمانیه موزه می‌شود. مریوان حلچهای، مترجم کرد از وصیت شیر کو بیگس برای تبدیل خانه‌اش به موزه خبر داد و گفت: دوست چندین‌ساله آقای شیر کو بیگس، رونوف بیگره، اعلام کرده که آقای بیگس به آنها گفته می‌خواهد بعد از مرگم خانه‌ام به موزه تبدیل شود. او افزود: بر این اساس، قرار است این موزه چند بخش آرشیمی و اصلی را دربر بگیرد و شامل تمام عکس‌هایی که این شاعر در طول زندگی‌اش گرفته است، تمام دست‌نوشته‌ها، وسایل شخصی و تمام کتاب‌هایش باشد.



طهران نگاری

کوچه مردهای مسجد جامع



احمد مسجدجامعی

● اشاره: از این پس در این ستون، سلسله یادداشت‌های احمد مسجد جامع وزیر فرهنگ و ارشاد دولت اصلاحات درباره محله بازار تهران و رسوم تهران قدیم، منتشر خواهد شد.

بعضی وقت‌ها در رویاهای خودم سری به خانه پسرری زده و چرخ‌سواران در گوشه‌وکنار آن می‌نمزم خانه‌های بزرگ در دل کوچه مسجدجامع تهران. خانه‌های که از جمله بناهای تاریخی تهران به‌شمار می‌آید؛ با حیاطی آجرفرش و حوض سنگی بسیار بزرگ و باغچه‌های شمشاد و تک‌درخت چنار سر برافراشته و دو، سه درخت آلبالو و گیلاس و گل‌ها و گل‌دان‌های پرپوش، اطلسی، یاس و شاپسند و شمعدانی در باغچه یا چیده شده بر یا سوسیه‌هایش، زیرزمین‌هایی با سقف‌های ضربی آجری و دیوارهایی تا کمر پوشیده از کاشی‌های قدیمی که بعضاً چهره‌های پهلوان شاهنامه و گل و مرغ بر آنها نقش بسته بود. اتاق‌های فراخ پنج‌درباری با شیشه‌های دردم تنیده رنگارنگ و آینه‌هایی کوچک با نقش‌های هندسی منظم و حیاط مرکزی و هشتی که بعد از آب و چاروبویی می‌گرفت که تا به امروز مشام ما را پر کرده. آب محله و خانه از طریق قنات (آب‌شاه) تأمین می‌شد که بعد از ظاهرشدن در کاخ گلستان به سمت مسجدجامع سرازیر و از آنجا به حمام‌های محله و کوچه‌های اطراف از جمله به حوض و آب انبار و... خانه پدری ما سرازیر می‌شد. این خانه قرار بود تبدیل به موزه مشاغل در میانه بازار تهران شود و به همین دلیل هم در سال ۱۳۰۲ پیش به نمن‌نیش فروختیمش، اما بر خلاف آنچه تصور می‌کردیم، بر تل ویرانه‌هایش پاساژی سبز شد که هنوز هم هست. این سرنوشته‌ها محترم همه خانه‌های قدیمی این کوچه و شهر و خیابان بوده که نشان‌های خاطرناگیز آن از بین رفته است. این کوچک‌های بین بازار مسجدجامع و بازار آهنگرها و نزدیک‌ترین کوچه و بازار به این مسجد، کوچک‌های که نام و اعتبار خود را از مسجدی می‌گیرد که عمری به درازی تاریخ تهران دارد، مسجدجامع بازار.

رویداد

مخالفت با انتشار کتاب «استادمحمد» توسط یک ناشر

● ایسنا: علی‌اصغر دشتی و مانا استادمحمد به‌منتشرشدن کتاب محمود استادمحمد در زمان حیاتش اعتراض کردند و گفتند هیچ‌یک از آثار این هنرمند فقید در انتشاراتی که قرار بوده این کتاب را منتشر کند، منتشر نخواهد شد. علی‌اصغر دشتی - کارگردان تئاتر و از دوستان محمود استادمحمد - در یادداشتی ضمن بیان توضیح درباره آنچه در طول چند ماه بیماری استادمحمد و ناشر آثار او گذشته، به نهایت با بیسان اینکه آرزوی استادمحمد چاپ کتاب و مقالات و یادداشت‌هایش در زمان حیاتش بوده، اعلام کرده که بنا به وصیت خود استاد با انتشار این آثار توسط ناشر افراز مخالف است. دشتی در این یادداشت که به‌تایید پسر استادمحمد نیز رسیده آورده است: «یادم می‌آید آخرین باری که بر بالین آقای استادمحمد حاضر بودم، با صای بیمار و شکسته‌اش گفت: «اصغر دیدی کتاب من رو چپا نکردند؟ دیدی هی گتم کتاب رو بگیرد بدید به یه ناشر دیگه؟ اگر تا زنده‌ام، این کتاب چپا نشد، بعد از خودم هم لازم نیست این ناشر زحمتش رو بکشه چپا این کتاب آرزوی من بود، آرزوی من!»

روزگار سپری شده

«مهدی اخوان‌لنگرودی» درباره کافه‌های قدیم تهران:

نوستالژی آن روزها در من زندگی می‌کند

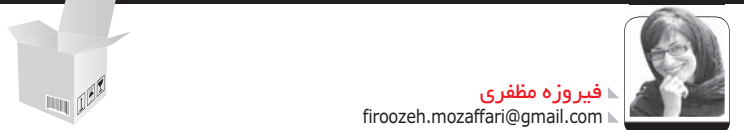
سعید برآبادی



اما تو صندلی مرا به یاد بیاور که جوانی من بر آن نشسته است

حالا با جرات بیشتری می‌شود گفت که اشاره آقای شاعر در این شعر به صندلی مخصوص خود در کافه فیروز بوده، آنجا که جوانی پرشور «مهدی اخوان‌لنگرودی»، در حلقه بزرگ‌ترین چهره‌های ادبی آن دوره نوشسته و یا آنها به بالندگی رسیده است. این جرات و اطمینان در کشف چنین رابطه‌ای را تنها با خواندن کتاب «از کافه نادری تا کافه فیروز» است که می‌توان دریافت. کتابی که بهار امسال توسط نشر مروارید منتشر شد و در آن اخوان‌لنگرودی خاطرات سال‌های جوانی‌اش را از شگردی‌ها و کافه‌گردی‌ها و مجالس شعرخوانی مهم‌ترین کافه‌های دهه ۴۰ و ۵۰، بازآوری کرده است. صدای گرفته‌اش در پیغامگیر تلفن می‌گوید: «لطفا پیام بگذارید، مهدی اخوان‌لنگرودی» و وقتی که خودم را معرفی می‌کنم، صدا گوئی جان می‌گیرد و واصل ما می‌شود از هزاران کیلومتر فاصله، از تهران تا وین «سال‌های سال، خاطرات دهه ۴۰ و ۵۰ در ذهن من مانده بود، دوستان شاعر و ادیبی که در این دوره با آنها در کافه‌ها و محافل ادبی تهران زندگی می‌کردم، تمام آن اتفاقات ریزوهرشت، نشست‌ها، گفت‌وگوها، مجالس پر از شعر و خاطره، سال‌ها این تصاویر با من بودند و در ذهنم شکل نوستالژی به خود گرفته بودند. همیشه دوست داشتم در یک مجال به آنها بپردازم». این جمله‌های اول مصاحبه، ایده کلی همین کتاب است، کتابی که می‌توان آن را از آن خاطراتی است که اخوان‌لنگرودی در آن سال‌ها، خود تجربه کرده و به همین دلیل، صداقت و انصافی پشت آن است که پیش‌تر، کمتر کسی مجال و دقت آن را داشته «قبل از نوشتن این کتاب، در چند کتاب به اختصار به آن خاطرات، اشاره‌هایی کرده بودم؛ مثلاً در کتاب «یک هفته با شاملو» یا در کتاب «ببار اینجا بر دل» که مصاحبه‌های بهار موسایی با من بود، بخشی از این خاطرات نقل شده اما هیچ وقت به این شکل منسجم به آنها نپرداخته بودم.

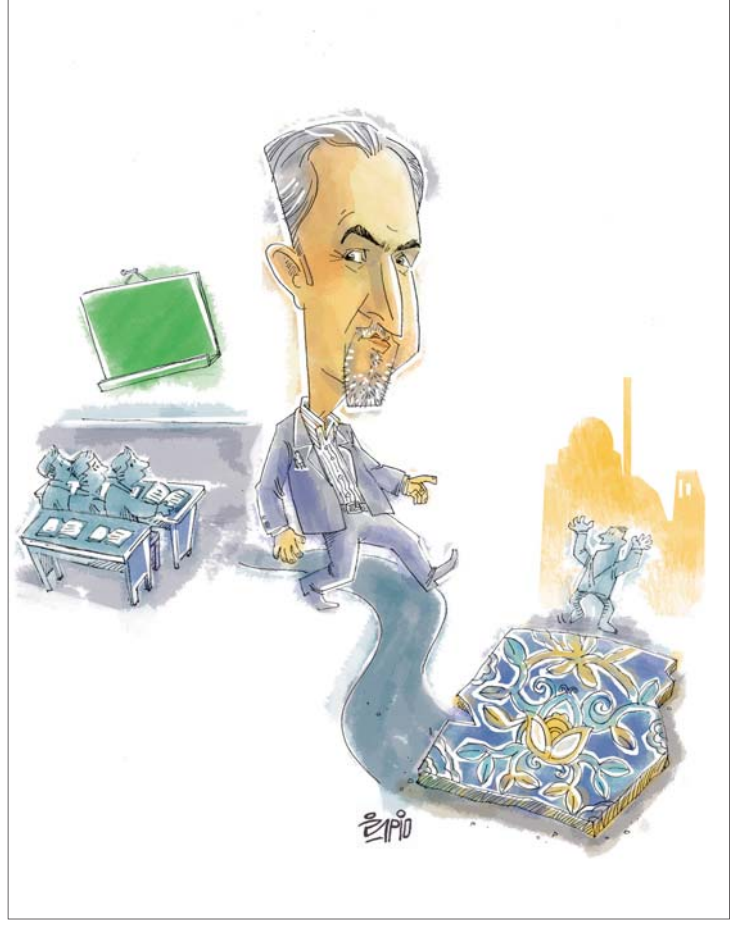
نوستالژی‌های آن روزها، سال‌ها در من زندگی می‌کرد و همیشه دلم می‌خواست برای دوستان شاعرم در آن دوره، از روزهای آشنایی بنویسم و از خاطراتی که در من باقی مانده بود. دومین برگ برنده کتاب، زنده کردن خاطراتی است که با محورشدن کافه فیروز و کمرنگ‌شدن نقش کافه نادری در جریان روشنفکری امروز، در حال نابودی بوده و شاید نشود گفت که اخوان‌لنگرودی نجات‌دهنده این بخش از تاریخ معاصر ایران یا لاقال تهران است. «به نظر من آن دوره یک دوره منحصرسفر بود، بچه‌هایی که در کافه‌ها به شعرخوانی و بحث می‌پرداختند همگی از چهره‌های مهم ادبی دوره خود و حتی حال حاضر بوده و هستند. کافه‌فیروز و کافه نادری: از کافه‌های مهم آن روزگار بودند و اگر نگاه کنیم می‌بینیم که از قدیمی‌ترین چهره‌های معاصر ادبیات، همچون صادق هدایت تا چهره‌های جدیدتری چون شاملو، مازاد و نصرت رحمانی در این کافه‌ها حضور داشتند، نفس کشیدند و زندگی کردند. بنابراین پرداختن به خاطرات شخصی‌ام از این کافه‌ها، حتماً یک بعد دیگر به داشته و صرفاً روایت شخصی و حدیث نفس نبوده است.» در این میان این کافه‌ها برای موقعیت تاریخی روزگار خوش، نقش چشمه‌های روشنفکری نیز



فیروزه مظفری
firoozeh.mozaffari@gmail.com

کارتون خواب

محمدعلی نجفی به سمت معاونت رییس‌جمهور و ریاست سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری منصوب شد



دکه

۴۴ سال از فرود انسان بر ماه گذشت

نام‌نشریه: ماهنامه آسمان شب
حوزه انتشار: علمی، پژوهشی، اطلاع‌رسانی
سردبیر: احمد دالکی
شماره‌نشر: ۲۶
زمان انتشار: مرداد ۹۲
تعداد صفحات: ۱۰۰ صفحه
قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان



مطالب مهم:
گفت‌وگو با دانشمند ارشد تلسکوپ فضایی چندرا/صفحه ۱۴
وقتی کهکشان‌های گرسنه همدیگر را می‌بلعند/ صفحه ۵۱
از سنگ‌های ماه چه می‌آموزیم؟/ صفحه ۵۸
در این ماه شاهد همسایگی مریخ و مشتری خواهیم بود/ صفحه ۶۸
کشف رازهای پنج‌هزارساله تنبور/ صفحه ۶۹
واقعیت‌هایی از ایستگاه بین‌المللی فضایی سفر به ماه برنده شدند و ما پذیرفتیم»

از هر نظری ضرر

«کنفسیوس» درباره چراغ‌قوه و نمایندگان مجلس چه گفت؟



پوریو عالمی

● آقای «الف» چراغ‌قوه را نگه داشته بود و آقای «ب» داشت با کلنگ به دیوار می‌زد. هر بار که آقای «ب» کلنگ می‌زد، از دیوار، کمی خاک می‌ریخت. آقای «ب» عصبانی شد. کلنگ را انداخت زمین و به آقای «الف» گفت: «چراغ‌قوه رو بده ببینم».

آقای «الف» چراغ‌قوه را گرفت و نور انداخت. آقای «الف» کلنگ را گرفت دستش، برد بالا و آورد پایین و شترق زد به دیوار. زرتی کل دیوار ریخت. آقای «ب» عصبانی شد و گفت: «ببین، چراغ‌قوه رو اینطوری می‌گیرند».

رابطه نمایندگان مجلس و وزرا هم همین شکلی است. موضوع این است که وزرا به دلایلی غیر از وزارت رای نمی‌آورند یا می‌آورند. قضیه این است کسی کاری به این ندارد کی دارد کلنگ می‌زند یا چطور کلنگ می‌زند. همه مسأله‌شان این است که چراغ‌قوه را بگیرند و نور بیندازند و به قول خودشان نیمه پنهان را شفاف‌سازی کنند.

در همین‌باره یادم است کنفسیوس همیشه به ما می‌گفت: «بعضی از نمایندگان نوی تاریکی قدم برمی‌دارند، اما چراغ را گرفته‌اند پشت سرشان و اصرار دارند دیگران را راهنمایی کنند».

کنفسیوس همیشه موقع خربزه خوردن حرف‌های بازهای می‌زد، یادش بخیر. یادم است که می‌گفت: «مسأله چراغ و چراغ‌قوه فقط مسأله روشنائی قومقمنه و مجریه نیست، بلکه مسأله همه قوه‌هاست و باید در مصرف برق و نطق پیش از دستور و به‌صورت کلی منابع انسانی صرفه‌جویی کرد».

چقدر قشنگ گفت این کنفسیوس. امیدواریم نمایندگان از روی این جمله سرمشق ببرند و از روی آن هزاربار بنویسند.

مخبرالدوله

عکاس حوزه‌های علمیه جایزه آلمان را برد

● مهر: فرهاد بابایی، عکاس ایرانی با مجموعه‌ای به نام «حوزه علمیه» موفق به کسب یکی از جوایز برگزیدگان مسابقه بین‌المللی عکس -PROFI FOTO در سال ۲۰۱۳ شد. در این دوره از مسابقه ۱۵۳ عکاس با میانگین سنی ۲۵ سال از کشورهای مختلف جهان به رقابت پرداختند که در نهایت پنج عکاس از جمله فرهاد بابایی از ایران موفق به کسب عنوان برتر شدند. مجموعه عکس فرهاد بابایی با موضوع زندگی روزانه در حوزه علمیه بابل و در گرایش مستند اجتماعی تهیه شده است. این مسابقه با حمایت شرکت کانن در آلمان و ویژه‌مجموعه عکس‌هایی برگزار می‌شود که هنوز ناتمام هستند و لذا عکاسان برنده متعهد می‌شوند مجموعه‌هایشان را حداکثر تا شش ماه آینده به پایان برسانند تا در صفحه وب‌سایت وب‌سایت مسابقه و همچنین در مجله‌های ویژه منتشر شوند.

فیلیپا سیستم

PHILPA System

آمیزه‌ای از هنر، زیبایی و تکنولوژی

نگرشی نود طراحی فضاهای اداری و سازگار با محیط‌های متفاوت کاری

دفتر مرکزی و نمایشگاه دائمی | تهران | شهرک غرب | بلوار فرحزادی | دادمان غربی | تقاطع پل یادگار امام | شماره ۵، ساختمان فیلیپا
تلفن: ۰۲۱-۸۸۰۹۵۳۰۵ | فکس: ۰۲۱-۸۸۳۶۷۱۴۳ | info@philpa.com | www.philpa.com